

نویسنده: آلیس پانتر مولر

تصویرگر: دانیلا کوهل

مترجم: نونا افراز



سه آگنبه، سپتامبر

جیغ!

جیغ!



امروز صبح با صدای جیغ از خواب بیدار شدم.

صدای جیغ طوری بود که انگار

داشتند یک نفر را می‌کُشتند.

البته از وقتی  مسئول مراقبت



از هانیبال شده‌ام،



بازرسی

دیگر به این صدا عادت کرده‌ام.

راستش هانیبال طوطی خانم زگیرِشت،

همسایه‌ی ماست ←

که فعلاً توی بیمارستان

بستری شده.

و از آنجایی که من جدیداً

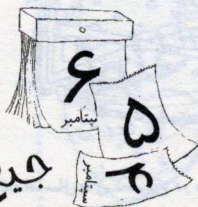


خیلی اصرار داشتم برای خودم حیوان خانگی



داشته باشم، هانیبال نصییم شد.

تا سه هفته.



که می‌شود نوزده روز دیگر. چون تازه دوروز آن گذشته!

جیغ!



بدی اش این است که برنیکه بودِ کر هم با
 ما توی کلاس ۵ ب است. **برنیکه**
 فکر می‌کند خودش **فیلی** بهتر از بقیه است.
 و دلایلش عبارتند از:

هاها!



۱. قیافه‌ی از خودراضی و
دماغ سر بالایش

۲. موهای دراز **طلایی** اش

۳. پدر و مادر **پول دار**ش

۴. داشتن اسب خودش

۵. و تیم **دفترا**نه‌شان

که تقریباً **لهمه‌ی** دخترهای کلاس
 عضوش هستند به جز چند نفر، مثلاً من و شاین.

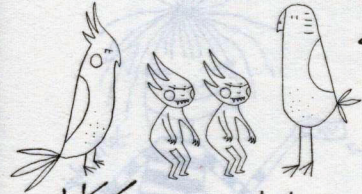
۶. در ضمن خوش‌لباس‌ترین پسر
 مدرسه هم **برادر**ش است.

۷. به خاطر همین بیشتر دخترهای مدرسه
 فکر می‌کنند که او **فیلی** خوب است.

۸. البته **غیر از من و شاین!!!!**



طوطی داشتن خیلی خوب است، ولی متأسفانه
 مدل هانیبال خاص است. به این مدل طوطی‌ها
 می‌گویند **کوکاتیل**، فکر کنم به خاطر اینکه مریض
 هستند. حتماً هانیبال **فیلی** درد دارد که
 مدام جیغ می‌کشد. آن وقت‌هایی هم که
 جیغ نمی‌کشد، دارد گاز می‌گیرد. ☹️



طوطی + مرض = کوکاتیل

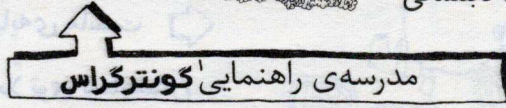
هیچ وقت به اندازه‌ی این روزها عاشق مدرسه رفتن نبوده‌ام. دلایلش هم



همین بودن هانیبال توی خانه است.

امسال بعد از تعطیلات تابستانی

رفتم کلاس ۵ ب.



که خیلی خوب است، چون بهترین

دوستم، شاین، هم توی کلاس ۵ ب است.



۱. تعداد سال‌های تحصیلی در مدرسه‌ی ابتدایی و راهنمایی آلمان با ایران متفاوت است.